محوریت محتوا در اعتبارسنجی احادیث و عدم محوریت سند در آن

شاگرد: اینکه مذهب رواتِ را بررسی نمی‌کنید به این خاطر است که مبنای آقای شبیری را قبول ندارید؟ ایشان از شیخ هم استظهار می‌کنند در فرض تعارض روایت امامیه و غیر امامی، روایت غیر امامی اقتضاء حجیت را ندارد.

استاد: ببینید راجع به مذاهب جلوترها در جلسات مفصلی صحبت کردیم. در اینکه واقفیه و فطحیه از حیث موثق بودن درجاتشان خیلی فرق می‌کند. از اجلاء، احتمال خیلی قوی‌ای هست که فطحی بودن برای اخفاء بود؛ مسائل اجتماعی بود. اسم عبدالله می‌گفتند برای حفظ جان امام. اما واقفیه تفاوت می‌کرد. واقفیه‌هایی بودند که از طرف مال و دنیا بود که واقفی شده بودند. واقفیه‌هایی هم بودند که از سر اشتباه در فهم حدیث واقفی شده بودند. کلاب مموطوره به رفتارشان هم بستگی داشت. منشأ واقفیه یکی مال بود، یکی فهم غلط از احادیث بود. در ادامه هم نسبت به رفتارشان، واقفیه‌هایی بودند که رفتار بسیار تندی علیه امام معصوم اتخاذ می‌کردند که از ناصبی بدتر می‌شد. واقفیه‌هایی هم بود که از سر ابهام اینطور شده بودند. همچنین مذاهب قبل از آن‌ها و مذاهب بعد از آن‌ها.

5:36

شاگرد: می‌خواهم ببینم مذهب را در اعتبار سند دخالت می‌دهید یا نه؟

استاد: در مسائل روایات من اساساً طریق سندمحوری را درست نمی‌دانم. اینکه ما به سند نگاه کنیم و به‌خاطر آن، حکم باتّ‌بر روایت صادر کنیم درست نیست. روایتی که بارها نقل کرده‌ام در کافی شریف هست. سائل محضر امام تصریح می‌کند که روایاتی از شما می‌آید؛ «ممن نثق به و ممن لانثق به». حضرت هم به جای اینکه بگوید واضح است، به آن اخذ کن که تثق به، حضرت می‌فرمایند نگاه کن که کدام موافق کتاب است. یعنی فطری‌ترین امر هم همین است. در موضوع محوری عرف عقلاء ابتدا به محتوای نقل نگاه می‌کنند. اول ذهنشان را محتوا پر می‌کند. نه اینکه اول ببینند چه کسی می‌گوید.

فطرت بشر به این صورت است که وقتی یک حرفی نقل می‌شود ابتدا به محتوای آن نگاه می‌کند. بعد اگر دید با ضوابط و اعتباراتی که خودش می‌فهمد مطابق است و عقلائی است، دیگر کاری ندارد که چه کسی نقل می‌کند. اما گاهی که می‌بیند محتوا، محتوایی مشکل‌ساز است، هزینه‌بر است، خلاف ضوابط عقلائیه است، آن وقت می‌گوید چه کسی گفت؛ ببینیم اگر نقل معتبر است، خب دراین‌صورت باید آن را حساب کرد. حال برخی از مطالب دیگر را هم عرض کرده بودم.

دو-سه سال پیش بحث مسأله موضوع‌محوری بود؛ یعنی اینکه یک موضوع، محور باشد و سند یکی از مؤلفه‌ها باشد؛ باره عرض کردم ما ریزترین امر سند که در ارزشگذاری دخالت دارد، دخالت می‌دهیم؛ توثیق، تصحیح، تقسیم‌های رباعی که مشهور دارند. تقسیم خماسی که مرحوم میردامادو شیخ بهائی دارند، همه اینها درست است. یعنی ما در مقام فن نباید از ذره‌ای که در فضای ارزشگذاری تأثیری دارد، غض نظر کنیم. اما اینکه محور چیست؛ آن چیزی که در عرصه حدیث سرنوشت‌ساز است، چیست؟ آن سند نیست. لذا اعراض اصحاب می‌تواند کاسر باشد. لذا عمل اصحاب می‌تواند جابر باشد. چون محور، سند نیست. در اینجا خیلی از امور دیگر دخالت دارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 13:54:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 13:54:43 توسط ... .